

اثرات مستقیم و غیر مستقیم تحریم

سهراب شهابی^۱

رئیس جمهوری آمریکا، در ۶ مه ۱۹۹۵ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۴) با صدور یک دستورالعمل اجرایی، کلیه معاملات تجاری با ایران و سرمایه‌گذاری در این کشور توسط شرکتهای آمریکایی را ممنوع کرد. در ۵ اوت ۱۹۹۶ (۱۵ مرداد ۱۳۷۵) بیل کلینتون، مصوبه‌ای دیگر معروف به قانون داماتو را به امضا رساند، که براساس آن شرکتهای غیرآمریکایی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال در صنایع نفت و گاز ایران و لیبی سرمایه‌گذاری کنند، مورد تحریم و مجازات اقتصادی آمریکا قرار خواهند گرفت. البته هنوز این لایحه به طور کامل به اجرا در نیامده است و آیین‌نامه اجرایی آن کامل نیست. در این لایحه اختیارات گسترده‌ای برای اجرا یا توقف اجرا در مورد شرکتهای یا کشورهای بخصوص به ریاست جمهوری داده شده‌است. به همین جهت شاید صحبت از تأثیر و یا عدم تأثیر این لایحه، بیشتر جنبه مقدماتی و پیش‌بینی دارد و متکی به رفتارها و آثاری است که پس از تصویب قانونی و نه اجرای آن مشاهده گردیده‌است. براساس آنچه اعلام شده، هدف از این تحریم تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران است. برای اینکه این تغییر رفتار انجام‌گیرد، لایحه امیدوار است فشارهای اقتصادی را بر ایران افزایش داده و ایران را به سمت انزوای بیشتر در روابط خارجی سوق دهد و در نتیجه فشارهای مضاعف بین‌المللی و اقتصادی و نارضایتی را در داخل افزایش دهد. در چنین جوی، سیاست داخلی می‌تواند به سویی حرکت نماید، که خود موجب فشارهای بین‌المللی جدید و نارضایتی‌های بیشتر داخلی شده و این دو آنقدر هزینه‌های اقتصادی و سیاسی را بالا ببرند تا

۱. دکتر سهراب شهابی، معاون دبیرکل سازمان اکو و عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل است.

اینکه دولت مجبور به اتخاذ سیاستهای جدید در عرصه بین‌المللی و بطور خلاصه، دادن امتیاز در خارج از کشور برای تخفیف فشار به خود بشود. تجربه آمریکا این است که این روش نتیجه داده و نتیجه خواهد داد و لذا سیاست "مذاکرات انتقادی" اروپا را نپذیرفته است. مقابل، اروپاییان بطور مشخص می‌گویند این سیاست هیچ دستاورد ملموسی نداشته است. بنابراین در صورتی لایحه داماتو موفق خواهد بود که اولاً وضعیت اقتصادی ایران پس از تصویب لایحه روبه تضعیف رفته باشد؛ ثانیاً در سیاست خارجی انزوای بیشتری را تجربه نموده؛ ثالثاً در داخل، سیاست داخلی به سمتی هدایت شود که نارضایتی‌ها را تشدید و زمینه را برای انزوای خارجی بیشتر فراهم نماید. لذا در این مطلب به صورت مقدماتی این سؤال مطرح می‌گردد که تأثیر تحریم در سه زمینه فوق چه بوده است و اگر تأثیر مستقیم آن چندان قابل توجه نیست، اصولاً تأثیر غیرمستقیم این دور جدید تحریم چه بوده است؟

تحریم و اقتصاد ایران

هدف اصلی لایحه داماتو، تحریم صنعت نفت و گاز ایران و سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار بوده است. به عبارت دیگر، تولید آتی مورد تحریم واقع شده است نه تولید و درآمد امروز (در این مورد که چرا برای مثال، فروش نفت تحریم نشده، در مذاکرات مربوط به لایحه دلایلی ذکر شده است: از جمله غیرعملی بودن نظارت بر خرید و فروش نفت و مشکلاتی که در ارتباط با تجارت جهانی ایجاد می‌کند) و چنانچه چنین لایحه‌ای موفق هم باشد، تأثیر چندان و بلافاصله‌ای نباید داشته باشد. اگرچه یک فرض لایحه می‌تواند این باشد که چون سرمایه‌گذاری در صنایع نفت ایران ضروری است و چنانچه این سرمایه از خارج جذب نگردد، منابع در اختیار دولت برای موارد دیگر، برای مثال هزینه‌های نظامی، محدود خواهد بود و این به معنی کم شدن تهدید نظامی یا رفتار تهدیدآمیز ایران در این منطقه خواهد بود. البته این فرض در صورتی می‌توانست درست باشد که منابع خارجی قابل توجهی اعلام آمادگی کرده بودند تا در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری نمایند و رکورد جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران تا قبل از تصویب لایحه مذکور قابل توجه بوده باشد. در صورتی که تا قبل از تصویب لایحه داماتو، تنها موردی که برای سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت مطرح بود، سرمایه‌گذاری ۶۵۰ میلیون دلاری شرکت نفتی فرانسه، توتال می‌باشد که این سرمایه‌گذاری نیز شامل قانون داماتو نشده است و چنانکه گزارش می‌گردد کارهای این شرکت هم اکنون در خلیج فارس و در جزیره سیری^۱ (سری) در حال پیشرفت است. جدای از این

۱. اسم درست جزیره، "سری" است که در ترجمه املای انگلیسی (Siri) آن به فارسی، به غلط "سیری" رایج ←

مورد، سرمایه‌گذاری یا پیشنهاد جدی دیگری در دستور کار نبود که با اعلام لایحه، خبر لغو یا تعلیق آن را بشنویم.

اگرچه پس از تصویب لایحه تحریم، توافقه‌های جدیدی با کشورهای خارجی در زمینه نفت و گاز اعلام گردیده‌است. از آن جمله مشارکت شرکت نفت مالزی در پروژه توتال در سیری، قرارداد صدور گاز به ترکیه، پروژه ساخت پالایشگاه در پاکستان، موافقتنامه سوآپ^۱ با قزاقستان و توافق میان ایران، ترکمنستان و روسیه برای تأسیس شرکت مشترک جهت بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر را می‌توان نام برد. بعید است بتوان رابطه‌ای مستقیم بین این پروژه‌ها و تصویب لایحه تحریم ایران برقرار نمود، ولی می‌توان تصور کرد که تصویب لایحه عاملی تسریع و تسهیل‌کننده بوده‌است. قدر مسلم اثبات این امر مشکل است که اگر قانون تحریم ایران تصویب نمی‌شد، بازم طرف مشارکت‌کننده در سیری مالزی می‌بود و یا قرارداد صدور گاز به ترکیه به این سرعت جلو می‌رفت، ولی می‌توان تصور کرد که احتمالاً شرکت‌های اروپایی که سابقه همکاری طولانی با شرکت ملی نفت ایران داشتند، رقابت شدیدتری برای جلوگیری از ورود مالزی به صنعت نفت ایران که سابقه همکاری با شرکت نفت مالزی نداشت ایجاد می‌کردند و چه بسا موقعیت را از دست آن می‌گرفتند. عدم حضور موقت آنها بخاطر تصویب لایحه، حتماً زمینه را برای ورود شرکت مالزیایی مساعدتر کرده، همچنین قرارداد صدور گاز به ترکیه شاید بیشتر تحت تأثیر تحولات داخلی ترکیه، یعنی قدرت گرفتن حزب رفاه، بوده باشد. ولی در عین حال موفقیتی برای ایران نیز در صحنه سیاست خارجی به حساب می‌آمد و لذا می‌توان تصور کرد که تمایل ایران تسهیلات بیشتری برای موفقیت و تسریع در امضای قرارداد ایجاد کرده‌باشد و همین طور در مورد پروژه‌های دیگر که نام برده شد، کم و بیش می‌توان چنین قضاوت کرد.

بنابراین لایحه تحریم داماتو نتوانسته است سرمایه‌گذاری را در صنعت نفت ایران متوقف کند؛ چرا که قبل از تصویب لایحه، پیشنهادی جدی مطرح نبود. ولی با فشاری که این لایحه ایجاد کرد، دولت ایران را به سمت یک سلسله توافقات نفتی دیگر بیشتر راغب نمود که در نتیجه این توافقات و در صورتی که به مرحله اجرا در آیند، صنعت نفت و گاز ایران کمی از حالت ارتباط خارج از منطقه خود بیرون آمده و ارتباطات منطقه‌ای افزایش یافته و زمینه‌های کار گسترده‌تر می‌شود و از این طریق انتخابهای ایران بیشتر می‌گردد. اگرچه این کشورها و شرکتها از نظر سطح تکنولوژی و مالی حتماً نسبت به طرفهای سنتی، یاران درجه دوم هستند.

→ شده‌است.

1. Swap

از نظر فشار اقتصادی نیز در ۱۳۷۵ عامل جدیدی احساس نمی‌گردد و برعکس به علت افزایش قیمت نفت، وضع ارزی دولت بهبود یافته است. براساس اعلام مدیر امور بین‌المللی وزارت نفت، جمهوری اسلامی ایران در شش ماه اول این سال توانسته بیش از ۹ میلیارد و ۳۱۰ میلیون دلار از فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی درآمد ارزی کسب نماید که یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بیش از پیش‌بینی بودجه بوده است.^(۱)

بواسطه بهبود در تراز پرداختهای کشور، (افزایش درآمد نفت و تنزل واردات کشور به حدود ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلار) ذخایر ارزی کشور از مرز ۱۰ میلیارد دلار تجاوز نموده و بدهی‌های خارجی به موقع پرداخت گردیده است و براساس پیش‌بینی معاون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رشد اقتصادی کشور از ۴/۵ درصد در ۱۳۷۴ به ۵ تا ۵/۵ درصد، طی سال ۱۳۷۵ افزایش می‌یابد که در حدود رشد پیش‌بینی شده در برنامه دوم می‌باشد.^(۲) بنابراین به نظر نمی‌رسد لایحه تحریم آمریکا توانسته باشد بر عملکرد اقتصاد کلان ایران تأثیر چندانی کرده باشد، ولی می‌توان فرض کرد، تأثیر آن برای مسئولان این بوده که با احتیاط بیشتری عمل نمایند. برای مثال بلافاصله برای افزایش قیمت نفت مانع جدید ایجاد نکنند و در مورد پرداخت بدهی‌های خارجی و بطور کلی روابط مالی خارجی با احتیاط عمل نمایند؛ زیرا هرگونه خطر کردن در این زمینه‌ها می‌تواند هزینه‌های قابل توجه اقتصادی و سیاسی را به سیستم تحمیل نماید. به عبارت دیگر شما نمی‌توانید هم در وضعیت تحریم باشید و هم بد حساب. برای خوش حساب بودن باید با ضابطه‌تر و با احتیاط‌تر حرکت کرد و در اثر این نوع رفتار که حتماً دلایل دیگری مانند بهره‌گیری از تجربه‌های قبلی نیز داشته، به نظر می‌رسد ایران با سرعت قابل توجهی به رغم تحریم بین‌المللی که بوسیله یک قدرت اقتصادی مهم در جریان است، اعتبار مالی بین‌المللی خود را باز می‌یابد؛ چنانکه امروز در گزارشهای تحلیلی راجع به خطر سرمایه‌گذاری در ایران، ردیف ایران نسبت به سال گذشته بهبود یافته است.

تحریم و سیاست خارجی

تحریم ایران شاید یکی از معدود موضوعات مهم در سیاست خارجی ایران باشد که ما را در مقابل جهان قرار نداد (در این زمینه فقط موضع ایران در قبال اقدام عراق به اشغال کویت قابل مقایسه است). در دیگر موضوعات پر سروصدای سیاست خارجی نسالهای گذشته به گونه‌ای موضع ایران در یک طرف و جدا از جو حاکم بین‌المللی بود. در اغلب آن موضوعات ایران یا در موضع خود تنها بود و یا هیچ متحد مستحکمی نداشت. لایحه تحریم داماتو نتوانست چون موضوعات دیگر موضع هماهنگ غرب را در مقابل ایران به وجود آورد. البته بسیاری استدلال می‌کنند که اصلاً هدف لایحه داماتو ایران نبود، بلکه رقبای آمریکا

بودند.

به هر صورت اروپا بصورت آشکار به مخالفت با لایحه برخاست و آمریکا را تهدید به سیاستهای مقابله به مثل و طرح موضوع در مجامع جهانی و سازمان تجارت جهانی نمود. رئیس جمهور فرانسه اظهار داشت چنانچه شرکتهای فرانسوی بواسطه این قانون تحت تأثیر قرار گیرند، فرانسه به سرعت اقدامات تلافی جویانه‌ای اتخاذ خواهد کرد.^(۳) مایکل ریفکین وزیر امور خارجه انگلیس، به عنوان نزدیک‌ترین متحد آمریکا اعلام داشت هیچ کشوری اجازه ندارد به شرکتهای کشورهای دیگر بگوید در کشور سومی چگونه باید رفتار نمایند.^(۴) علاوه بر اروپاییان، قدرتهای منطقه‌ای چون چین، روسیه و هند نیز آشکارا علیه سیاست تحریم آمریکا اعلام مواضع نمودند. برای مثال، روسیه اعلام داشت این لایحه برخلاف قوانین بین‌المللی است و موجب ثبات در خاورمیانه نخواهد شد.^(۵) کشورهای منطقه که حتی دارای روابط چندان حسنه‌ای با جمهوری اسلامی ایران نبودند، نیز علیه موضع گرفتند. در کنفرانس مطبوعاتی مشترک رئیس جمهور آمریکا و مصر، رئیس جمهور مصر نظر متفاوت خود را در مورد اعمال تحریم اعلام کرد.^(۶) این فضای متفاوت برای جمهوری اسلامی ایران به روشنی بوسیله گزارشگر کنفرانس نفت و پول که به تازگی در لندن برگزار گردید تصویر شده‌است. او پس از مروری به گفته‌های نماینده ایران از شرکت ملی نفت ایران که استدلال نمود این تحریم در بازار آتی نفت اخلاص خواهد کرد و سخنان گرک ریک من^۱، مدیر حقوقی سناتور الفنو داماتو که در دفاع از تحریم بود، می‌نویسد:

"اکثر سخنرانان در گردهمایی لندن در وضعیت غیرعادی جانبداری از ایران قرار داشتند."^(۷)

بطور خلاصه سیاست تحریم، در عرصه سیاست جهانی برای ایران موقعیتی را چون جنگ دوم خلیج فارس ایجاد نمود که در مواضع خود تنها نماند و این سیاست بیش از آنکه ایران را زیر فشار قرار دهد، برای کشور تحریم‌کننده مشکل ایجاد نمود. در این مورد دکتر "اندر و راتمل"^۲ می‌نویسد چنانچه ایران موفق شود آمریکا را تا آن حد تحریک نکند که دست به عملیات نظامی علیه ایران بزند، می‌تواند مرتباً آمریکا را در زمینه سیاست دور بزند و برای آمریکا مشکل ایجاد کند و سپس اضافه می‌نماید:

"البته سیاست مزبور به گونه‌ای ناشیانه اجرا شده و به طور متناقض به جای منزوی کردن ایران بیشتر آمریکا را به انزوا کشانده‌است."^(۸)

1. Gregg Richman

2. Anderw Rathmell

عدم تأثیر سیاست تحریم در منزوی کردن ایران و فشارهای حاکی از آن برای آمریکا مورد توجه خود آمریکایی‌ها نیز بوده‌است. روزنامه "تایمز مالی" در مطلبی به قلم "روبین الین" می‌نویسد:

"مقامهای عالی‌رتبه واشنگتن اظهار می‌دارند دو مرکز در حال مطالعه روابط آمریکا با ایران و کشورهای خلیج فارس هستند. این تجدید نظر را مسئولان برجسته دولت آمریکا توصیه کرده‌اند. یکی از مراکز زیر نظر جفری کمپ^۱ و گروه دیگر زیر نظر ریچارد مورفی کارشناس برجسته شورای روابط خارجی و عضو عالی رتبه سابق وزارت امور خارجه آمریکا می‌باشد."^(۹)

این دو نفر هر دو از مخالفان سیاست تحریم و سیاست "فقط فشار" بودند و بیشتر سیاستی را توصیه می‌کردند که با اروپا هماهنگ باشد.^(۱۰) لذا می‌توان تصور کرد دولت جدید آمریکا هماهنگ کردن سیاستهای خود را با اروپا در قبال ایران در دست بررسی و مطالعه دارد.^(۱۱)

اگرچه سیاست تحریم نتوانست ایران را تحت فشار قرار دهد، اما می‌تواند به عنوان نشانه خصومت بیشتر آمریکا نسبت به ایران تفسیر گردد و چنانچه این روند جدید از خصومت و تنش افزایش پیدا می‌کند، امکان درگیری و برخوردهای محدود نظامی را محتمل می‌نمود، بخصوص که نیروهای نظامی دو کشور در فاصله نزدیکی در خلیج فارس از یکدیگر قرار داشتند. لذا به نظر می‌رسد، ایران برای تخفیف تنش و چنین احتمالی سیاستی غیرتحریم‌کننده و ضدتنش را به نمایش گذاشت و بر روی عامل ایران به عنوان میانجی، برقرارکننده صلح و پشتیبانی ثبات تأکید و تبلیغ نمود. در عین حال آمریکا را به عنوان کشوری در پی تسلط بر جهان و قانون‌شکن و عامل تنش معرفی می‌نماید.^۲ فعالیتهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در لبنان در برقراری آتش‌بس، برقراری صلح بین اوگاندا و سودان در آفریقا، همکاری نزدیک با روسیه و نماینده سازمان ملل برای ایجاد تفاهم بین گروههای مخالف دولت در تاجیکستان، اعلام آمادگی برای میانجی‌گری و فعالیت در کنار سازمانهای بین‌المللی در مسئله کشمیر و قبرس، اکراد شمال عراق و کمک به آلمان برای مبادله اسرا و کشته‌شدگان بین مبارزان لبنانی و دولت اسرائیل، تقاضا برای عضویت ناظر در سازمان

1. Jeffrey Kemp

۲. ایران درخصوص اعمال تحریم ثانویه آمریکا و اختصاص ۱۸ میلیون دلار توسط کنگره جهت انجام اقداماتی به منظور بی‌ثبات‌سازی رژیم ایران اعتراض نموده، در راستای این اقدام ایران می‌تواند خودش را به عنوان کشوری که نسبت به قوانین بین‌المللی بازی متعهد است، جلوه دهد. برخلاف آمریکا که آشکار از اقدامات پنهانی حمایت می‌کند.

تجارت جهانی، نمونه‌هایی از این رفتار می‌باشد که قدر مسلم تنها به موضوع خنثی‌سازی سیاست تحریم باز نمی‌گردد، ولی بدون شک بی‌تأثیر از این عامل نیست. لذا همچون سیاست اقتصادی و مالی خارجی محتاط‌تر و بیشتر همسو با فضای بین‌المللی، خنثی‌سازی سیاست خصومت‌آمیز آمریکا یک نوع تمرکز را به سیاست خارجی ایران تحمیل کرد و ایران سعی نمود که در یک جبهه بدون نیروی کافی نجنگد، بنابراین در جبهه اروپا و دیگر جبهه‌ها به صورت تفاهم‌آمیزی حرکت کرد.

تحریم و سیاست داخلی

در صورت موفقیت سیاست تحریم، بواسطه فشارهای بین‌المللی و اقتصادی باید نارضایتی عمومی در ایران افزایش پیدا می‌کرد و فشار از این طریق بر دولت بیشتر می‌شد. ولی چنانکه گفته شد فشارهای اقتصادی و فشارهای بین‌المللی به جهت این سیاست افزایش پیدا نکرد تا موجب نارضایتی گردد. اصولاً به نظر می‌رسد که مردم ایران ارتباط چندانی بین این سیاست و احیاناً کمبودها و نارسایی‌های موجود در کشور برقرار نمی‌نمایند و موضوع آمریکا و ارتباط با آمریکا هر روز بیشتر در مسائل اقتصادی و سیاسی ایران فرعی می‌گردد. ضمن اینکه به علت حضور بیشتر این کشور در اغلب کشورهای همجوار ایران، جنبه امنیتی آن را قابل توجه می‌نماید. افکار عمومی نسبت به مسائل امنیتی در مقایسه با مسائل اقتصادی و سیاسی چون تورم و مشارکت سیاسی یا وضعیت مطبوعات حساسیت کمتری دارد. مسائل امنیت ملی و حساسیت در مورد آن اغلب در میان نخبگان در ارتباط با بخش روابط خارجی و نظامی کشور مطرح است.

تصویب سیاست تحریم، موضوعات طرح رابطه یا عدم رابطه با آمریکا را که بین جناح‌های مختلف سیاسی سیستم اغلب به گونه‌ای مطرح می‌شد، بسیار کمرنگ و یا بی‌ربط نمود؛ زیرا با لغو قرارداد کونکو و امضای لایحه داماتو مشخص بود که آمریکا نه در جهت ایجاد رابطه و گفت‌وگو، بلکه در حرکت بسوی فشار و تنش گام بر می‌دارد.

به همین جهت در انتخابات دور اول مجلس پنجم که فضایی پر شور را شاهد بود، سیاست خارجی و موضع آمریکا بسیار کم مطرح بود و بیشتر توجه‌ها به موضوع مشارکت سیاسی و لزوم ایجاد احزاب و چالش‌های اقتصادی آینده و مسئله زنان و جوانان معطوف بود. همچنین تخفیف در مباحثات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی را بین جناح‌های مختلف می‌توان شاهد بود؛ چراکه هم اکنون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها به جهت رشد و توسعه اقتصادی بوسیله یک گروه مورد قبول است، گروه دیگر نیز آن را در جهت خنثی کردن کوشش‌های آمریکا دشمن اصلی می‌داند. در چنین فضایی سیاست‌های ایران برای جذب

سرمایه خارجی در بخش نفت، تصویب قانون مربوط به مناطق آزاد و بطور خلاصه افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و آمار مربوط به آن پیروزی برای هر دو جناح محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

چنانکه بحث گردید، سیاست تحریم ایران نتوانسته است ایران را به انزوا بکشانند و فشار اقتصادی را افزایش داده و به نارضایتی عمومی بیفزاید و لذا سیاستی شکست خورده است. انتقاد و احتمال تغییر آن در نقاط مختلف جهان از جمله خود آمریکا بطور جدی مطرح می‌باشد. (۱۲)

اگرچه در تقابل با این سیاست ایران در ارتباط مالی بین‌المللی با دقت و احتیاط سازنده‌ای قدم بر می‌دارد و تأکید خود را بر توسعه اقتصادی، تولیدی و بدون نفت افزایش داده است، در سیاست خارجی، سیاست تقلیل و کنترل تنش را با تأکید و گسترش سیاستهای صلح‌جویانه به پیش می‌برد و در صحنه داخلی چندین موضوع مورد بحث بین جناحهای مختلف یا کم‌رنگ و یا اصولاً بی‌رنگ گردیده است.

به عبارت دیگر تداوم سیاست مهاردوگانه و تحریم اگر همچنان در کنترل بماند و به سمت برخورد محدود فیزیکی میل ننماید، پیامدهای جدی برای ایران نخواهد داشت. از این زاویه و متفاوت از آنچه فرض می‌گردد، تغییر سیاست آمریکا نه بخاطر اهداف جدید و ملایم‌تر با ایران، بلکه بخاطر مؤثر کردن سیاست خود برای رسیدن به هدف مورد نظر می‌باشد.

هماهنگی بین سیاست آمریکا و اروپا، چیزی که به نظر می‌رسد در حال تکوین است، موضع هماهنگ غرب را بار دیگر بازسازی می‌نماید. این سیاست در مقابل ایران راه سود و یا هزینه را باز می‌کند، هزینه‌ای که این بار توسط اروپا و آمریکا به صورت هماهنگ اعمال می‌گردد. بنابراین سیاست بعد از تحریم از این دید دورانی سخت‌تر را تصویر می‌نماید.

یادداشتها

۱. "پیام انرژی"، نشریه شورای جهانی انرژی، کمیته ملی انرژی ایران، شماره ۱۰ سال اول، (آبان ۱۳۷۵) ص ۳.
۲. روزنامه سلام، چهارشنبه، ۳۰ آبان ۱۳۷۵
۳. رویتر، ۷ اوت ۱۹۹۶.

4. Reuter National Press Clubs, 29 May, 1996.

5. Russian Foreign Ministry Spokesman Vladimir Andreyev Quoted by Itar Tass, August 1996.

6. Editorial in Leading Egyptian Daily Al-Ahram, Quoted by UPI, 9 Aug, 1996.
7. Vahe Petrossian, "Iran: Oil and Sanction" *Meed*, 8 Nov, 1996, p.12.
8. Andrew Rathmell, "Iran's Winning Strategy", (Persian) *Gulf States Newsletter*, 26 Aug. 1996.
9. سنجش رسانه‌های امروز انگلستان، سفارت جمهوری اسلامی ایران- لندن، شماره ۵۰۳، ۲۲ آبان ۱۳۷۵، صص ۲۰۱.
۱۰. در حقیقت رفتار ایران را تا جایی تغییر دهیم، که رهبر ایران در باید که برقراری چنین گفتگویی به نفع آنهاست. این اقدام به همکاری تمام متحدان نیاز دارد و ممکن است به معنای تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی بر رژیم ایران باشد.
- Geoffrey Kemp, *Forever Enemies*, Acarnegie Endowment Book, (Washington, 1994), p. 74.
۱۱. در همین زمینه گری سیک مشاور سابق امنیت ملی آمریکا با انتقاد از خط مشی سیاسی آن کشور علیه ایران گفت: سیاست تحریم علیه ایران نتیجه معکوس داده‌است. به گفته وی تحریم فقط زمانی مؤثر واقع می‌شود که همه‌جانبه باشد و هدف مشخصی را دنبال نماید ولی در مورد ایران و لیبی چنین نیست. وی سیاست "گفتگوی" کشورهای اروپایی را در قبال ایران مورد تأیید قرار داد. (لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۹ آبان ۱۳۷۵).
۱۲. در سمینار مؤسسه سلطنتی روابط بین‌المللی انگلیس در ۵ آذر ۱۳۷۵ کلیه شرکت‌کنندگان متفق‌القول بودند که سیاست آمریکا برای مهار دوگانه ایران و عراق با تنگنای روبرو شد و این سیاست نه تنها منفعتی برای آمریکا نداشته بلکه باعث نگرانی شرکتهای آمریکایی شده‌است، به گونه‌ای که کم‌کم این شرکتهای فشار خود را بر روی کاخ سفید زیاد کردند تا در سیاست خود تجدید نظر کند. اریک رولو دیپلمات سابق فرانسه نیز در این کنفرانس گفت در داخل دولت آمریکا نیز بحث و بررسی‌هایی در این زمینه وجود داشته که ممکن است به تغییر وضعیت در سیاست این کشور منجر شود. (روزنامه ابوار، چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۷۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی